



اجرای علمی مجازاتها

پدیدآورنده (ها) : مرعشی، محمدحسین

حقوق :: نشریه الهیات و حقوق :: زمستان ۱۳۸۱ - شماره ۶

صفحات : از ۵ تا ۱۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/27909>

تاریخ داندود : ۱۳/۰۷/۱۴۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- اجرای علنی مجازاتها از دیدگاه فقه مقارن و تأثیر مقتضیات زمان
- بردگان از جاهلیت تا اسلام (تحلیل و بررسی تاریخی)(۱)
- علل تفاوت تفاسیر فقها و اندیشمندان مسلمان درباره حقوق سیاسی - اجتماعی زنان از متون ثابت دینی
- نقش مصلحت در اجرای مجازاتهای حدی
- کنکاشی پیرامون ابعاد تقلب و مدیریت پیشگیری آن در صنعت پیمانکاری و صنعت بیمه ای
- تشخیص رییس قوه قضاییه به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی (قسمت دوم)
- بررسی رویکرد تاریخ مندانه به معرفت دینی با تاکید بر نگاه تاریخی به قرآن
- بررسی ادله قاعده حرمت تنفیر از دین (کتاب، سنت، اجماع، عقل)
- فهرست مقاله ها
- لغو برده داری از گذشته تا امروز: بازخوانی توسعه مفهوم برده داری در اسناد و آرای محاکم بین المللی
- جایگاه فرهنگی و علمی شهر گندی شاپور در زمان ساسانیان
- واکاوی رویکردهای فقهی به اعتبار جنسیت در شهادت

عناوین مشابه

- اجرای علنی مجازاتها از دیدگاه فقه مقارن و تأثیر مقتضیات زمان
- اجرای علنی مجازاتها از دیدگاه حقوق اسلام
- اجرای علنی مجازاتها در فقه و حقوق کیفری افغانستان
- سیر تحولات تاریخی علنی بودن رسیدگی در نظام های دادرسی کیفری و بررسی قابلیت اجرای علنی بودن در مراحل مختلف رسیدگی کیفری
- اظهارنظر کارشناسی درباره: « طرح الحاق یک تبصره به ماده (۳۵۳) قانون آیین دادرسی کیفری درخصوص اجرای علنی دادرسی درباره جرائم اقتصادی»
- نقش قاضی در اجرای مجازاتها
- بررسی فقهی- حقوقی اجرای علنی کیفر
- مبانی نظری اجرای علنی مجازاتها از منظر فقهی و حقوقی
- اجرای علنی مجازات؛ توجیهاات و تبعات
- اجرای علنی مجازاتها های اسلامی

گفت و گو

اجرای علنی مجازاتها

□ گفت و گو با آیه الله سید محمد حسن مرعشی

مختصر : یکی از مسائل مبتلا به جامعه و حکومت اسلامی، اجرای مجازاتها در ملاء عام است. حال این سؤال پیش می آید که آیا سیاستهای جنایی اسلام در قبال حدود، مبتنی بر لزوم اجراست و حتماً باید اجرا شود یا اعمال مجازاتها و بویژه حدود، برای ایجاد ارعاب و پیشگیری در جامعه است؟

آیه الله مرعشی: اصولاً اجرای مجازاتها همان طور که از متون و منابع فقهی به دست می آید، برای اصلاح مجرمان است و به قصد ایجاد رعب و وحشت در جامعه نیست. لذا وقتی سیره پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام را که از طرف خداوند تعیین شده بودند و احکام را از طرف خداوند بیان می کردند، بررسی می شود، دیده می شود که وقتی افرادی می خواستند حدود الهی درباره آنها اجرا شود، آنها را امر به توبه می کردند و می خواستند طوری اقرار نکنند که مجبور شوند حد را در جامعه اجرا کنند. حتی مردم به این نکته توجه داشته اند؛ مثلاً وقتی زنی خدمت امیرمؤمنان علیه السلام می آید و تقاضا می کند که او را حد بزنند و رجم کند، حضرت می فرماید: من که خدا نیستم تا تو را پاک کنم! تو اگر توبه کنی و خدا تو را پاک کند، این برای تو بهتر است تا این که خواسته باشی کاری کنی که حیثیت و آبرویت از بین برود.

پس به این نتیجه می‌رسیم که هدف، اصلاح است. توبه که از ویژگیهای مسائل جزایی اسلام است، همان اصلاح مجرم است. اگر کسی با شرایط خاصی توبه کند، دیگر مسأله مجازات برای او مطرح نیست؛ منتهی توبه معنای خاصی در اسلام دارد و آن، این است که انسان، رابطه خودش را با خدا اصلاح کند؛ تنها یک توبه ظاهری که ناشی از ترس از اجرای مجازات باشد، نیست. مهم، اصلاح است. در قرآن کریم آمده است: «الذین تابوا و أصلحوا»؛ یعنی شخص باید هم توبه کند و هم عملاً خود را اصلاح کند.

نظر اسلام این است که اصولاً مسائل مربوط به فحشا در جامعه پخش نشود و آبروی اشخاص حفظ شود. لذا درباره نسبت ناروا دادن به کسی، اگر دروغ گفته است، باید توبه کند و علناً خودش را تکذیب کند و در صورتی که راست گفته هم باید بگوید اشتباه کردم؛ چون انسان نمی‌تواند هر حرف راستی را بدون در نظر گرفتن شرایط، بگوید. اصلاً از نظر اسلام، چنین شخصی فاسق است و شهادتش در محاکم قابل قبول نیست. این که مثلاً برای زنا باید چهار شاهد با آن شرایط خاص شهادت بدهند، به خاطر این است که حیثیت اشخاص حفظ شود؛ هر چند اگر شهود زیاد بودند، حد اجرا می‌شود. از این که اسلام برای قتل نفس، شهادت دو نفر را کافی دانسته است، ولی در مسائل عرضی و ناموسی، مانند زنا شهادت چهار نفر با شرایط خاص را لازم دانسته، فهمیده می‌شود که اسلام نمی‌خواهد این مسائل در جامعه پخش شود و مردم از آنها اطلاع پیدا کنند. اینها مسائل مهمی است که باید در قوانین جامعه اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

محمد مختبر
آیا قاعده درء، توبه و سخت‌گیری در اثبات حدود، دلیلی بر تأکید شارع مقدس بر کارآیی اصلاح مجرم و پیش‌گیری از جرم نیست؟

آیه الله مرعشی: هر کدام ملاک خاصی دارد؛ زیرا قاعده درء، مبتنی بر اصل برائت است. اصل بر این است که کسی مجرم شناخته نشود، مگر دلایل کافی موجود باشد و

در مواردی که شبهه پیش می‌آید، اصل بر براءت است و با وجود شبهات، نمی‌توان اجرای حدّ کرد.

مختصر: آیا مجازاتها به طور کلی و بخصوص حد، باید در ملأ عام اجرا شود یا این که اجرای آن در ملأ عام تابع شرایط زمانی و مکانی و مصالح است؟

آیه‌الله مرعشی: عنوان «اجرای حدود در ملأ عام» یا «علنی»، به شکل موجود، اصلاً در فقه مطرح نیست و این «در ملأ عام بودن» یک اصطلاح فقهی یا حقوقی نیست؛ نه در قوانین شرع آمده و نه در قوانین عرفی. وقتی به منابع فقهی مراجعه می‌کنیم، مخصوصاً مسائل جزایی را بررسی می‌کنیم، نه در کلمات قدما و نه در کلمات متأخرین، اصلاً موضوعی با عنوان ملأ عام نداریم.

این مسأله، اخیراً در بین عده‌ای، بدون این که بررسی شود آیا مبنای حقوقی دارد یا فقهی، طرح شده است.

اصولاً وقتی احکام فقهی به طور کلی بررسی می‌شود، بعضی از احکام فقهی، جنبه عبادی دارد که اشخاص باید آنها را انجام دهند. این مسائل عبادی، گاهی اوقات می‌تواند جنبه سیاسی هم داشته باشد؛ مثل حج که یک عبادت است، ولی در عین حال، شارع نسبت به فواید و منافع حج از نظر سیاست جهان اسلام، غافل نبوده و به جنبه‌های سیاسی حج، توجه داشته است. لذا در قرآن کریم می‌فرماید: «لیشهدوا منافع لهم»؛^۱ به این خاطر به حضرت ابراهیم علیه السلام گفتیم حج را به مردم اعلام کن که بتوانند آنچه برای دنیایشان منفعت دارد، به دست آورند که هر نوع منفعت، حتی منفعت سیاسی را هم شامل می‌شود. سپس می‌فرماید: «و یذکروا اسم الله فی آیات معلومات»؛ یعنی خدا را هم یاد کنند. این یاد خدا، دیگر جنبه عبادی آن است.

یک سلسله از مسائلی که در کتب فقهی مطرح است، مسائل سیاسی اسلام است؛ مانند جهاد که حاکم باید تشخیص دهد از نظر سیاسی، آیا باید جهاد کرد یا خیر؟ با

اسرا چگونه باید رفتار کرد؟ آیا باید آنها را عفو یا مجازات کرد؟ چنین مسائلی نمی‌تواند همیشه یک حالت داشته باشد؛ چون مسائل سیاسی، مبتنی بر مسائل نظام است که باید افراد بنشینند و مشورت کنند و ببینند مصلحت، چه چیزی را اقتضا می‌کند. آیا مصلحت اقتضا می‌کند که آتش‌بسی را بپذیرند یا خیر و به طور کلی، چنین مسائل سیاسی در اسلام وجود دارد که از جمله آنها کیفرهای اسلامی است.

مجازات‌ها از این نظر که آیا اجرا بشود یا نه، از مسائلی است که باید مصالح اجتماعی درباره آنها در نظر گرفته شود. نمی‌شود به طور مطلق گفت شما مجازات اسلامی را در هر جا و در هر شرایط؛ ولو به ضرر اسلام تمام شود، اجرا کنید هدف از اجرای مجازات‌ها نیز مهم است؛ اگر هدف ما این است که نفعی به اسلام برسد، خوب و پسندیده است؛ همین طور است اگر بخواهیم نفعی به مردم و جامعه برسد. اما اگر اجرای آنها باعث می‌شود که اسلام دچار وهن شود و نتیجه معکوس گرفته شود، در این جا اسلام می‌گوید نباید این مجازات‌ها اجرا شود؛ اعم از این که حد باشد یا تعزیر؛ دلیل ما روایاتی است که در این باره نقل شده است.

از جمله، چند روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که در یکی از آنها می‌فرماید: بر هیچ کس در سرزمین دشمن، اجرای حد نمی‌شود.^۱ در روایتی دیگر^۲، علتش را چنین توضیح داده است که ممکن است دفع فاسد به افسد شود؛ یعنی به جای این که با تنبیه، کسی را اصلاح کنیم، با اجرای حد، به طرف دشمن مایل شود و از اسلام خارج گردد.

از این روایات استنباط می‌کنیم که این مجازات‌ها باید حساب شده باشد؛ یعنی اگر می‌خواهیم حدی جاری کنیم، باید مصالح اسلام را در نظر بگیریم؛ و الا اگر قرار باشد رجمی انجام شود و از آن فیلمبرداری کنند و سپس این فیلم در خارج از کشور، علیه اسلام نمایش داده شود و مردم را از اسلام متنفر کنند، نباید چنین اجازه‌ای بدهیم. ما

۱. «لایقام علی أحد حدّ بأرض العدو» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۱۷، حدیث ۱، انتشارات اسلامیة).

۲. «... مخالفة أن تحلمه الحمیة فیلحق بالعدوّ» (همان، حدیث ۲).

باید مصلحت اسلام را در نظر بگیریم. اهمیت اسلام، از اجرای یک حد، خیلی بیشتر است. در اثر این‌گونه اعمال، ممکن است مردم، اسلام را رها کنند.

پس در اجرای حدود در ملاء عام، باید مصالح در نظر گرفته شود. ما به طور کلی عنوان «در ملاء عام» نداریم؛ فقط درباره حد زنا یک آیه است که متأسفانه توجه نمی‌شود که این آیه می‌خواهد چه چیزی را بیان کند. در آیه می‌فرماید: «وليشهد عذابها طائفة من المؤمنين»؛^۱ یعنی وقتی حد زنا اجرا می‌شود، طائفه‌ای از مؤمنان حضور داشته باشند. متأسفانه این «طائفه‌ای از مؤمنان» را به «ملاء عام» ترجمه می‌کنند. گمان می‌کنند که طائفه‌ای از مؤمنان یعنی در ملاء عام، و حال آن که اگر به لغت مراجعه کنند، خواهند دید که «طائفه» به سه یا چهار نفر گفته می‌شود.

طائفه از طوف است؛ یعنی اگر چند نفر دور هم حلقه بزنند و به اصطلاح، یک میزگرد تشکیل دهند، یک طائفه هستند؛ چون دور هم نشسته‌اند. طواف را هم بدین جهت نام‌گذاری کرده‌اند که دور خانه خدا می‌گردند. حتی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: طائفه در آیه، یک نفر است، نه چند نفر. پس از کجای طائفه، «ملاء عام» استفاده می‌شود؟!

نکته مهم دیگری نیز در این آیه هست که «فاضل مقداد» در تفسیر خود، کنز العرفان به آن اشاره کرده است. وی می‌فرماید: فراز «من المؤمنین» در این آیه، یک قید احترازی است؛ یعنی «دیگران نباشند» و افراد از مؤمنان باشند تا با دیدن اجرای حد، از اسلام متنفر نشوند. لذا نباید اشخاصی که صلاحیت ندارند یا سست عقیده‌اند، در وقت اجرای حد، حضور پیدا کنند.

در روایتی دیگر آمده است که روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در بصره بودند و می‌خواستند فردی را حد بزنند. حضرت متوجه شدند که جمعیت خیلی زیادی جمع شده‌اند. وقتی از علت آن سؤال کرد، گفتند اینها برای نگاه کردن به اجرای حد آمده‌اند. حضرت وقتی نزدیکتر رفتند و قیافه‌های آنها را دیدند، فرمودند اینها افرادی نادرستند و نباید این‌جا باشند. در موقع اجرای حد، نباید این‌گونه اشخاص باشند و فرمود: «لا

مرحباً لوجوه لاتری إلا فی کُل سوء. سپس دستور دادند آنها را دور کنند. بنابراین، این آیه، هیچ دلالتی ندارد بر این که اجرای حد باید در ملاء عام باشد. درباره حدود یا تعزیرات دیگر هم که هیچ دلیلی وجود ندارد؛ حتی دلیل ناتمامی هم ندارد. ضمن این که نمی‌توانیم بدون دلیل و نص صریح شرعی، در مسائل جزایی قیاس کنیم و آیه مورد نظر را تعمیم دهیم.

محمد : به نظر حضرت عالی آیا در حدود، جرم‌زدایی قابل تصور است؟ یعنی آیا می‌شود تعداد جرایم را کم یا زیاد کرد؟

آیه‌الله مرعشی: می‌شود کیفرزدایی کرد و به جای کیفر، مجرم را اصلاح کرد؛ چون هدف از مجازات، اصلاح است. اگر ما مجازات می‌کنیم، از این باب است که آخرین درمان، داغ کردن است. وقتی هیچ راهی برای درمان نباشد، به سراغ داغ کردن می‌رویم، نه این که از آغاز، بدون این که وضع مجرم را در نظر بگیریم، او را مجازات کنیم. اصلاً فردی کردن مجازات، در اسلام آمده است؛ یعنی این موضوع از اسلام به حقوق غرب منتقل شده است. فردی کردن مجازات یعنی باید نسبت به هر جرمی، دید خاصی داشت، اوضاع و احوال هر مجرمی را باید در نظر گرفت تا عدالت اجرا شود. به همین سبب است که در اسلام، تعزیر به دست حاکم است؛ برای این که حاکم، دستش باز باشد. قانون‌گذار فقط می‌گوید که این جرم است و مجازات دارد، اما کیفیت و کیفیت و حتی اجرا یا عدم اجرای آن با حاکم است.

جوانی را خدمت حضرت علی علیه السلام آورده بودند که دزدی کرده بود و می‌بایست دستش قطع می‌شد؛ شرایط قطع ید را داشت. حضرت فرمود: «أراك رجلاً شاباً...»؛ می‌بینم تو یک مرد جوان هستی! از قرآن چه می‌دانی؟ گفت سوره بقره را می‌دانم. فرمود: «وهبُ یدک بسورة البقرة»؛ دستت را به سوره بقره بخشیدم. یک نفر آن جا بود، گفت: شما حد خدا را تعطیل می‌کنید؟ فرمود: حاکم می‌تواند کسی را که به گناه اقرار کرده است، عفو کند.

این عفو امیرالمؤمنین علیه السلام به خاطر همین خصوصیتی بود که آن جوان داشت؛ یعنی جوان و اهل قرآن بود.

تفسیر

۱۰

مکتب مطهری